

جمله‌های مثبتی که معنای نفی می‌دهد

یعقوب جعفری

در قرآن کریم آیات متعددی وجود دارد که در آنها فعل مضارع بعد از «أن» ناصبه قرار گرفته و ادات نفی ندارد ولی از سیاق آیه روشن است که جمله جمله منفی است و حتماً باید آن را منفی معنی کرد، مانند آیه شریفه **يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ أَنْ تَضِلُّوا** (نساء / ۱۷۶) [خداوند برای شما بیان می‌کند که گمراه نشوید - یا مبادا گمراه شوید] و آیه شریفه **وَأَلْفَى فِي الْأَرْضِ رِوَاسِي أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ** (نحل / ۱۵) [و در زمین کوه‌هایی افکند تا شما را نجنباند - یا مبادا شما را بجنباند] و غیر اینها.

آیا این موارد تابع قاعده خاصی است و وجه جامعی دارد و یا غیر قیاسی و استثناست؟ پیش از آنکه این موضوع را بررسی کنیم، موارد این پدیده را که در آیات قرآنی وجود دارد و طبق استقصای ما ۲۱ مورد است می‌آوریم. البته ممکن است موارد دیگری هم باشد که ما آنها را ندیده‌ایم و یا برخی از این موارد از آن قبیل نباشد. به هر حال آن ۲۱ مورد به ترتیب سوره‌های قرآن، عبارتند از:

۱. **وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِإِيمَانِكُمْ أَنْ تَبَرُّوا وَاتَّقُوا** (بقره / ۲۲۴)

۲. **أَنْ تَضِلَّ إِحْدَيْهِمَا فَنُدَوِّرَ إِحْدَيْهِمَا الْأُخْرَى** (بقره / ۲۸۲)

۳. **قُلْ إِنْ أَلْهَى اللَّهُ أُمَّةً لِيُؤْتِيَ أَحَدٌ مِثْلَ مَا أُوتِينَا** (آل عمران / ۷۳)

۴. **وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ إِسْرَافًا وَبِدَارًا أَنْ يَكْبَرُوا** (نساء / ۶)

جمله‌های مثبتی که معنای نفی می‌دهد (۳) □

۵. فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىَٰ أَنْ تَعْدِلُوا (نساء / ۱۳۵)
۶. يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ أَنْ تَضِلُّوا (نساء / ۱۷۶)
۷. قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ عَلَىٰ فَتْرَةٍ مِنَ الرُّسُلِ أَنْ تَقُولُوا مَا جَاءَنَا مِنْ بَشِيرٍ وَلَا نَذِيرٍ (مائده / ۱۹)
۸. وَ جَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ (انعام / ۲۵)
۹. وَ ذَكَرَ بِهِ أَنْ تَتَّبِعُوا نَفْسَ بِنَا كَسَبَتْ (انعام / ۷۰)
۱۰. فَاتَّبِعُوهُ وَ اتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ. أَنْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَنْزَلَ الْكِتَابَ عَلَىٰ طَائِفَتَيْنِ مِنْ قَبْلِنَا (انعام / ۱۵۶)
۱۱. شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ (اعراف / ۱۷۲)
۱۲. وَ أَلْقَىٰ فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ (نحل / ۱۵)
۱۳. وَ جَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ (اسراء / ۴۶)
۱۴. إِنَّا جَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ (كهف / ۵۷)
۱۵. وَ جَعَلْنَا فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِهِمْ (انبیاء / ۳۱)
۱۶. وَ يُمَسِّكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَىٰ الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ (حج / ۶۵)
۱۷. يَعِظُكُمُ اللَّهُ أَنْ تَعُودُوا لِمِثْلِهِ أَبَدًا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (نور / ۱۷)
۱۸. إِنَّ اللَّهَ يُمَسِّكُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ أَنْ تَزُولَا (فاطر / ۴۱)
۱۹. أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتِي عَلَىٰ مَا فَرَّطْتُ فِي جَنبِ اللَّهِ (زمر / ۵۶)
۲۰. وَ لَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ (حجرات / ۲)
۲۱. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ (حجرات / ۶)

□

در این موارد که ملاحظه فرمودید، «ان» ناصبه همراه با فعل مضارع است و ادات نفی هم ندارد ولی معنای نفی می‌دهد. در توجیه این پدیده دو نظر وجود دارد؛ یکی نظر کوفیان یا

مکتب ادبی کوفه و دیگری نظر بصریان یا مکتب ادبی بصره^۱ است. از نظر کوفیان، و از جمله شاخص‌ترین چهره‌آنان کسائی و فراء، در این موارد بعد از «آن» حرف نفی «لا» حذف شده که تقدیر آن «لثلاً» بوده است؛ فی المثل^۲ در آیه «يَبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ أَنْ تَضَلُّوا» (نساء / ۱۷۶) تقدیر چنین است: «لثلاً تَضَلُّوا» و در آیه «وَجَعَلْنَا فِي الْأَرْضِ رِوَاسِيًا أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ» (انبیاء / ۳۱) تقدیر چنین است: «لثلاً تَمِيدَ بِكُمْ» و همین‌طور. اینان می‌گویند حذف «لا» در مواردی که معلوم باشد شایع است، مانند شعر عمرو بن کلثوم صاحب یکی از معلقات سبع:

فَعَجَّلْنَا الْقَرَىٰ أَنْ تَشْتَمُونَا^۳

نزلتم منزل الأضياف منا

که در تقدیر «لثلاً تَشْتَمُونَا» است.

و نیز شعر قطامی:

فَأَلَيْنَا عَلَيْهَا أَنْ تَبَاعَا^۴

رأينا ما رأى البُصراء منّا

که در تقدیر «ان لاتباع» بوده است.

اما بصریان، از جمله مبرّد و فارسی عقیده دارند که در این موارد حذفی صورت نگرفته و «آن» مصدریه است و مضاف آن حذف شده است و مضاف می‌تواند کلمه «مخافة» یا «خشية» یا «كراهية» باشد که در دو مثال قبلی تقدیر چنین است: «كراهية ان تَضَلُّوا» یا «مخافة ان تَضَلُّوا» و «كراهية ان تميد بكم» یا «مخافة ان تميد بكم». فارسی گفته است حذف مضاف شایع‌تر از حذف لای نافیه است.^۵

صاحب مجمع البیان از بصریان نقل می‌کند که گفته‌اند: اضممار «لا» جایز نیست. چون آن حرفی است که برای رساندن معنای خاصی آمده است پس حذف آن روا نیست. وی در تفسیر آیه: «يَبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ أَنْ تَضَلُّوا» و جه سومی هم نقل کرده که گویا اخفش گفته است: «آن» با فعل خود به مصدر تبدیل می‌شود و موضع آن نصب و مفعول «يَبَيِّنُ» است و تقدیر چنین است: «يَبَيِّنُ

۱. درباره تفاوت‌های جوهری دو مکتب ادبی کوفه و بصره، رجوع شود به: مسلمانان در بستر تاریخ، اثر نگارنده، ص ۲۵۲.

۲. سمین حلبی، الدر المصون، ج ۲، ص ۴۷۵.

۳. شرح المعلقات السبع، زوزنی، ص ۲۲۵.

۴. طبرسی، مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۲۸.

۵. الدر المصون، ج ۲، ص ۴۷۵.

جمله‌های مثبتی که معنای نفی می‌دهد ۳۳ □

الله لكم الضلال لتجنبوه»^۱. این گفته اخفش در این آیه می‌تواند قابل قبول باشد ولی در موارد دیگر مانند آیه «ان تمید بکم» قابل طرح نیست.

نکته دیگری که در اینجا قابل توجه است، این است که قول کوفیان به دو صورت قابل بررسی است؛ یکی اینکه بگوییم در این موارد «لا» حذف شده است که در این صورت اشکالی که طبرسی از قول بصریان نقل کرده قابل طرح است، دیگر اینکه بگوییم: اساساً یکی از معانی «أن» «لثلا» است و «أن» در مواردی معنای نفی می‌دهد، همان گونه که در برخی از کتب ادبی آمده است.^۲ اگر چنین باشد چیزی از جمله حذف نشده است.

با این حال، بسیاری از اهل ادب و تفسیر قول بصریان را ترجیح می‌دهند. زمخشری در تفسیر «ان تضلوا» می‌گوید: تقدیر آن «کراهة ان تضلوا» است،^۳ و سیوطی پس از نقل هر دو قول می‌گوید: صواب این است که آن مصدریه و تقدیر آن «کراهة ان تضلوا» باشد.^۴ ابن هشام نیز این قول را ترجیح داده و گفته است: «صواب این است که «أن» در این موارد مصدریه باشد و اصل چنین آن است: «کراهة ان تضلوا» و در آن شعر «مخافة ان تشتمونا» بوده و این قول بصریان است.^۵ در میان ادبای معاصر نیز قول بصریان ترجیح داده شده است.^۶

به نظر می‌رسد قول بصریان در این موارد مناسب‌تر و به طبع نزدیک‌تر است، زیرا حرف نفی «لا» به کلی معنای جمله را تغییر می‌دهد و ساختار جمله منفی بر اساس آن است، و حذف آن نقض غرض متکلم است. علاوه بر این، بودن «أن» به معنای «لثلا» توجیه درستی ندارد. «أن» همواره برای تفسیر جمله و اثبات آن می‌آید، چگونه است که در برخی جمله‌ها درست معنای ضد آن را می‌دهد؟ تازه کسانی که «أن» را به معنای «لثلا» گرفته‌اند، برگشت سخنان به همان وجه قبلی است، یعنی از این جمله «لا» حذف شده است، چون «لثلا» همان «لأن لا» است، یعنی «أن» همراه با «لا» به اضافه یک لام علت در اول آن. بنابراین گفتن اینکه «أن» به

۱. طبرسی، مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۲۸.

۲. مرادی، الجنی الدانی، ص ۲۲۴، المغنی، ج ۱، ص ۵۵.

۳. زمخشری، الکشاف، ج ۱، ص ۵۹۹.

۴. سیوطی، الاتقان، ج ۲، ص ۱۷۳. در عین حال او در جای دیگری از کتابش حذف «لا» را در مواردی مطلقاً قلمداد می‌کند: الاتقان، ج ۳، ص ۱۸۹.

۵. المغنی، ج ۱، ص ۵۵ و نیز رجوع شود به تفسیر قرطبی، ج ۱، ص ۲۱۵.

۶. رجوع شود به: عبدالغنی الدقر، معجم القواعد العربیة، ص ۹۱؛ دکتر محمد تونجی، المعجم المفصل فی علوم اللغة، ج ۱، ص ۱۰۵.

معنای «لثلا» است، به معنای قبول حذف «لا» در این موارد است. ولی پذیرش اینکه در این موارد مضاف حذف شده که عبارت است از «کراهة» یا «خشية» یا «مخافة»، محذور چندانی ندارد و می‌توان آن را از قرینه و آغاز و انجام جمله به روشنی فهمید، هر چند که با تقدیر این کلمات نیز در واقع جمله معنای نفی می‌دهد. نکته‌ای که در اینجا لازم است یادآور شویم این است که در کلام الهی باید «کراهة» در تقدیر گرفت، و تقدیرگرفتن «مخافة» یا «خشية» با مقام الهی مناسب نیست، چون مفهوم آن این است که خدا می‌ترسد و از ترس وقوع یک چیز، کاری را انجام می‌دهد. معلوم است که باید خدا را از چنین معنایی تنزیه کرد. البته در کلام غیر خدا مانند شعر عمرو بن کلثوم که گذشت می‌توان «مخافة» در تقدیر گرفت و گفت: «مخافة ان تشتمونا».

اکنون پس از برشمردن موارد این پدیده و نقل اقوال، به این نکته توجه می‌دهیم که «أن» همراه با فعل مضارع همیشه معنای نفی نمی‌دهد، بلکه در موارد بسیاری معنای مثبت می‌دهد، مانند: «ان الله لا يستحيى ان يضرب مثلاً» (بقره / ۲۶)، «فلا جناح عليه ان يطوف بهما» (بقره / ۱۵۸)، «ليس عليكم جناح ان تبغوا فضلا من ربكم» (بقره / ۱۹۸)، «اتريدون ان تهدوا من اضل الله» (نساء / ۱۱۶)، «عسى ربكم ان يهلك عدوكم» (اعراف / ۱۲۶) و موارد بسیار دیگر که معنای مثبت می‌دهد. بنا بر این «أن» با فعل مضارع گاهی معنای نفی و گاهی معنای اثبات می‌دهد.

حال باید به این سؤال پاسخ داد که آیا پدیده مورد بحث، تابع قانون خاصی است و می‌توان برای آن موارد جامعی پیدا کرد و یا به صورت استثنا و سماعی است؟ با تتبعی که به عمل آمد، در جایی از کتب تفسیری و ادبی ندیدیم که قاعده‌ای برای این پدیده بیان شده باشد و معلوم گردد که آنها را باید در چه مواردی منفی و در چه مواردی مثبت معنی کرد، ولی با بررسی موارد «أن» همراه با فعل مضارع در آیات قرآنی^۱ به این نتیجه رسیدیم که معمولاً هرگاه جمله قبل از «أن» کامل باشد به طوری که سکوت بر آن جایز باشد، در آنجا «أن» با فعل مضارع معنای نفی می‌دهد، و هرگاه جمله قبل از آن کامل نباشد یعنی «أن» با فعل مضارع یکی از ارکان جمله باشد که بدون آن معنای جمله کامل نیست، در این موارد معنای مثبت می‌دهد.

۱. مجموع این موارد را در کتاب: معجم الادوات و الضمائر في القرآن الكريم، تأليف دكتور عبدالحميد مصطفى السيد و دكتور اسماعيل احمد عمارة ملاحظه فرمایید.

جمله‌های مثبتی که معنای نفی می‌دهد ۳۵ □

این قاعده‌ای است که با بررسی و تتبع موارد موجود به آن رسیدیم. در عین حال چون کسی آن را نگفته است، ما آن را با قید احتیاط و به عنوان یک پیشنهاد مطرح می‌کنیم. مطلب دیگر اینکه در قرآن کریم مواردی وجود دارد که درست عکس این پدیده است یعنی حرف «لا» در جمله بیان شده ولی معنای نفی نمی‌دهد و زاید است. زجاج در کتاب اعراب القرآن بابی تحت عنوان «باب ماجاء فی التنزیل و قد زیدت فیہ لا و ما» باز کرده و مواردی از آن را برشمرده است.^۱ از جمله موارد روشن آن می‌توان این آیات را بیان کرد: «لئلا یعلم اهل الکتاب» (حدید / ۲۹) که به گفته مفسران به معنای «لیعلم» است. «ما منعک ان لا تسجد ان امرتک» (اعراف / ۱۲) که به معنای «ان تسجد» است. «وحرام علی قریة اهلکناها انهم لا یرجعون» (انبیاء / ۹۵) که به معنای «یرجعون» است. «لا اقسام» را نیز که در چند آیه آمده است می‌توان از همین مقوله دانست.^۲ در این موارد و موارد دیگری که زجاج آنها را بیان کرده، می‌توان با قرینه و با در نظر گرفتن قبل و بعد آیات به آسانی معنای مطلوب را به دست آورد.



۱. اعراب القرآن، ج ۱، ص ۱۳۱.

۲. درباره «لا اقسام» ما احتمال می‌دهیم که لام، لام تأکید و الف آن زاید و مربوط به رسم الخط باشد، مانند «لا اذبحنه» و «لا اوضعوا» که «لاذبحنه» و «لاوضعوا» خوانده می‌شود، هرچند در «لا اقسام» در قرانت الف هم تلفظ می‌شود.